
تأثیر هشدار در رفع مسئولیت (مربیان) بنا بر قاعده‌های اقدام به زیان و تحذیر^۱

حسن محمدی احمدآبادی^۲

جواد ابراهیمی^۳

سید علی علوی قزوینی^۴

علیرضا انتظاری نجف‌آبادی^۵

چکیده

مسئولیت افراد در قبال اقدامات بی‌واسطه یا باواسطه خویش، موجب ضامن شمرده شدن عامل زیان است. روشن است که این امر به‌طور طبیعی، سبب نوعی رفتار احتیاط‌آمیز و ترک ورود به عرصه‌های مورد نیاز مثل فعالیت‌های ورزشی است که در ذات آن اقدامات پُرخطر وجود دارد. چاره‌اندیشی برای رفع این مشکل، توجه بسیاری از متصدیان و مجریان را به خود جلب نموده است. از عوامل مؤثر در رفع مسئولیت از عامل زیان، هشدار می‌باشد. این مقاله درصدد بررسی فقهی و حقوقی این مسئله است

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۸/۱۰؛ تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۱۰/۲۵.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق، نویسنده مسئول، (mohamadi77@gmail.com)

۳. دکترای جامعه المصطفی ص العالمیه، (Jebrahimi1979@gmail.com)

۴. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، (saalavi@vt.ac.ir)

۵. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی نراق، (Entezari.uni@gmail.com)

که در میان قواعد فقهی برای رفع مسئولیت از عامل زیان به چه قاعده‌ای می‌توان استناد نمود و به صورت کلی، حدود و قلمرو و حکم فقهی مستفاد از آن چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها به اختصار می‌توان چنین گفت که از نگاه فقه و حقوق قاعده تحذیر قابل استناد برای رفع مسئولیت افراد در فعالیت‌های تربیتی، ورزشی، پزشکی و... است. جریان این قاعده شرایطی از جمله اعلام و انجام هشدارهای لازم و... دارد. در صورتی که شخصی با آگاهی از هشدارهای لازم و کافی اقدام به شرکت در مسابقات و عملیات ورزشی کند و از این ناحیه متحمل خساراتی گردد، اصل برائت ذمه حاکم بر ادله اثبات مسئولیت و رافع آن است و لذا هیچ‌گونه مسئولیت (مدنی یا کیفری) متوجه عامل غیر نمی‌باشد؛ بلکه خودش ضامن است.

واژه‌های کلیدی: هشدار، مسئولیت، مربی، قاعده تحذیر، قاعده اقدام به زیان.

مقدمه

زندگی سالم و روبه‌رشد و پیشرفت جامعه، مرهون فعال‌سازی ظرفیت‌های افراد در عرصه‌های مختلف اعم از تربیتی، ورزشی، اقتصادی و... است. انجام فعالیت‌های مذکور، گاهی خطرات قابل توجه ندارد؛ اما گاهی انجام فعالیت‌ها، مستلزم پذیرش ریسک و خطرپذیری است؛ به نحوی که بدون آن نمی‌توان نسبت به آن اقدام کرد.

در این صورت، برای هموار نمودن مسیر رشد و تحول افراد، لازم است تدابیری اندیشیده شود که عوامل و متصدیان انجام این امور از حمایت شرعی و قانونی کافی بهره‌مند باشند؛ چه در غیر این صورت، با توجه به عواقب مذکور، عموم افراد از حضور در این عرصه‌ها سرباز می‌زنند؛ درحالی‌که چه بسا برای برخی افراد تکلیف کفایی و گاه در صورت انحصار عامل، تکلیف عینی وجود دارد.

تسهیل شرایط برای کاهش خطرات ناشی از عواقب مسئولیت افراد در فقه و

حقوق، مدنظر قرار گرفته است. از قواعد فقهی که در ابواب مختلف فقه و حقوق برای این منظور مورد استناد فقیهان و حقوق دانان قرار گرفته، قاعده اقدام و تحذیر است. بر این، در صورتی که اشخاص حقیقی یا حقوقی قبل از وقوع حادثه، همه اقدامات لازم برای پیشگیری از هرگونه خسارت را انجام داده و همه علایم هشداردهنده را به کار بسته باشند، با این وجود، شخص زیان دیده اقدام به زیان نموده، خود را در معرض خطر قرار دهد و خسارتی متحمل شود، هیچ مسئولیت مدنی یا کیفری بر عهده عامل یا عاملان زیان نخواهد بود.

به کارگیری قاعده اقدام از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان قرار گرفته و تا به امروز، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. از یک سو، فقیهان در ضمن مباحث مختلف به آن پرداخته و در موارد فراوان به آن استناد کرده‌اند و از سوی دیگر، حقوق دانان جوامع مختلف در مقام وضع قانون به این موضوع توجه نموده و پیوسته آن را مورد جرح و تعدیل قرار داده‌اند.

مسئولیت مدنی، مفهومی عام است که در عناوین گوناگون قابل تحقق است. بر همین اساس، فقهای متقدم و متأخر به تناسب نیازهایی که درباره انواع و اشکال مختلف ضمان وجود داشته، برای استنباط احکام مسائل فقهی آن در دوره‌های مختلف اقدام کرده، بر اساس مفاد ادله قابل استناد فقهی، ثبوت یا عدم ثبوت ضمان را بیان نموده‌اند. نکته قابل توجه، در روش‌شناسی استناد به ادله فقهی است که به صورت متعارف، ادله و قواعد عامه و نیز ادله قرآنی و روایی مدنظر قرار می‌گیرند و سپس در صورت فقدان دلیل قابل استناد فقهی، اقتضای اصل عملی در مسئله مدنظر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در بحث مسئولیت، لازم است ادله اثبات ضمان بررسی شود. در صورت تکافؤ و عدم تمامیت ادله ضمان، بنابه اقتضای اصل عملی براءت ذمه از تکلیف می‌تواند اجرا و ذمه مشکوک ساقط شمرده شود.

مفهوم قاعده

قاعده در لغت، به معنای اساس و ریشه آمده است. بر همین اساس، قواعد خانه به معنای اساس آن است (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ۵: ۲۰۱).

در گذشته، اصطلاح قاعده به معنای فراگیر و عام آن به کار رفته است که می‌توان به مواردی از آن اشاره داشت. برخی در توصیف معنای اصطلاحی آن با نگاهی فراگیر آورده‌اند: «قاعده، عبارت است از مفهومی که یکسان با مفاهیم اصل، قانون، مسئله، ضابطه و مقصد می‌باشد» (تهانوی، ۱۹۹۶، م، ۲: ۱۲۹۵).

برخی دیگر گفته‌اند قاعده در اصطلاح، به معنای ضابطه یعنی امر کلی است که بر همه جزئیات خود منطبق باشد؛ چنان‌که گفته می‌شود هر حیوانی، انسان و هر ناطقی، انسان است. جرجانی نیز در تعریف قاعده گفته است: «قاعده در اصطلاح، عبارت است از قضیه کلیه‌ای که بر همه جزئیات خود منطبق باشد» (محمود عبدالرحمن، بی‌تا، ۳: ۶۱).

با توجه به تعاریف مذکور، روشن می‌شود که در مفهوم اصطلاحی قاعده، شرط شده که باید کلی و گسترده باشد؛ هرچند وجود چیز دیگری به آن بستگی نداشته باشد. از اینجا فرق معنای لغوی و اصطلاحی روشن می‌گردد؛ زیرا در معنای لغوی، توقف هستی چیز دیگر شرط شده است؛ اگرچه کلی نباشد و در معنای اصطلاحی، گستردگی آن شرط شده است؛ اگرچه وجود چیز دیگری بدان بستگی نداشته باشد (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ۷: ۱۶۷).

پس از اشاره به معنای لغوی و اصطلاحی قاعده در بیان اندیشوران پیشین، با توجه به گسترش دانش‌ها و تفکیک حوزه‌های معرفتی از یکدیگر، قاعده در دستگاه‌های معرفتی و دانش‌های گوناگون، به صورت مضاف و در هر دستگاه به معنای خاص آن به کار رفته است؛ همانند قواعد اصولی، قواعد فقهی، قواعد

حقوقی، قواعد کلامی، قواعد منطقی و... که در بحث حاضر، قواعد فقهی مد نظر است. آنچه می‌توان از این مطالب نتیجه گرفت، این است که اولاً واژه قاعده، مطلق است. بنابراین، علاوه بر امور مادی مثل خانه در امور غیر مادی نیز به کار می‌رود. به همین دلیل، می‌توان تعبیر قواعد فقهی، قواعد اصولی و قواعد فلسفی را به کار برد. ثانیاً بین معنای لغوی و اصطلاحی قاعده، ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ از این نظر که امر کلی، به منزله پایه و اساس برای جزئیات و فروع خود می‌باشد.

مفهوم مسئولیت

از مفاهیم مهم و اساسی که از دیرباز از سوی اندیشمندان علوم مختلفی چون اخلاق، حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی با اهداف متفاوت مورد توجه قرار گرفته، مفهوم مسئولیت است. مسئولیت در زبان فارسی به معنای ضمانت، تعهد و مؤاخذه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۹: ۱۸۴۴).

مسئولیت به معنای فاعلی، با کلماتی چون گردن گرفتن و عهده‌دار شدن، موظف بودن و ملتزم و پایبند بودن مترادف است و به معنای مفعولی، با کلماتی چون به گردن او، برعهده او و در ضمان او، به یک معناست (عمید زنجانی، ۱۳۸۲ ش: ۳۸). مسئولیت، زمانی معنا پیدا می‌کند که چیزی از کسی خواسته شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱ ش: ۱۲۱). بنابراین، در آن سه عنصر وجود دارد: سؤال‌کننده (خواهان)، سؤال‌شونده (خواننده‌شده)، و مورد سؤال (مورد بازخواست). حال، با توجه به این عناصر، سؤالاتی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از این‌که: خواهان چه کسی است؟ مورد بازخواست چه امور و وظایفی است؟ مسئول باید چه شرایطی را دارا باشد. در پاسخ به این سؤالات، انواع مسئولیت و ویژگی‌های آن مطرح می‌شود.

انواع مسئولیت

مسئولیت از جهات مختلفی قابل تقسیم است. از یک نظر می‌توان آن را به انواع زیر تقسیم نمود:

۱. مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی، آن است که انسان بر اثر ارتکاب گناه یا عمل خلافی در برابر خدا یا وجدان، مورد سؤال و مؤاخذه قرار گیرد.

۲. مسئولیت حقوقی

مسئولیت حقوقی، مسئولیتی است که قوانین و مقررات حاکم بر جامعه بر عهده افراد گذاشته است و افراد در برابر آن باید پاسخ‌گو باشند.

انواع مسئولیت حقوقی

مسئولیتی که در قبال نقض قوانین و مقررات حاکم بر جامعه متوجه افراد است، مسئولیت حقوقی نامیده می‌شود که خود به شاخه‌ها و انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

یک - مسئولیت کیفری

منظور از مسئولیت کیفری، اهلیت تحمل برخورد قانونی مجازات در برابر ارتکاب رفتار مجرمانه است.

توضیح این‌که اشخاص از حیث مسئولیت کیفری به دو گروه دارای مسئولیت کیفری و فاقد مسئولیت کیفری تقسیم می‌شوند. منظور از اشخاص دارای مسئولیت کیفری، اشخاصی است که توانایی‌هایی نظیر درک، اختیار و بلوغ را دارا هستند. اما اشخاص فاقد مسئولیت کیفری فاقد چنین توانایی‌هایی بوده و به جهاتی مانند صغر

از تحمل مجازات معاف‌اند (مصدق، محمد، شرایط و موانع مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

سایت ۲۷/دی ماه/۱۳۹۹). /articleType/ArticleView/articleId/45710/categoryId/380 تاریخ مراجعه به

سایت ۲۷/دی ماه/۱۳۹۹).

دو - مسئولیت مدنی

بدون شک، در جامعه و در روابط انسان‌ها با یکدیگر، گاه از سوی افراد ضرر و زیان‌هایی اعم از مالی و جانی به یکدیگر وارد می‌شود و افراد ضررزننده، موظف به جبران آن هستند. این موضوع در فقه تحت عنوان قاعده «لاضرر ولاضرار فی الاسلام» مورد بررسی قرار گرفته و در ماده یک قانون مسئولیت مدنی بدان تصریح شده است:

هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

بنابراین، می‌توان گفت: «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۶).

انواع مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، خود به دو قسم تقسیم می‌شود:

مسئولیت قراردادی

از مواردی که ضمان‌آور و مسئولیت‌آور است، قراردادهایی است که بین افراد منعقد می‌شود. در صورتی که این قراردادها از نظر شرع و قانون به نحو صحیح منعقد گردد، عمل به آن الزام‌آور است و تخلف از آن جایز نیست. در نتیجه مسئولیت هر

نوع ضرر و زیان ناشی از عدم وفای به پیمان و تعهد از سوی طرف قرارداد بر عهده ناقض آن خواهد بود.

مسئولیت غیر قراردادی

در صورتی که جبران خسارت ناشی از عاملی خارج از قرارداد از قبیل غضب، (ماده ۳۰۸ ق.م) اتلاف (ماده ۳۲۸) یا تسبیب (ماده ۳۳۱) باشد به آن مسئولیت قهری یا غیر قراردادی گفته می‌شود.

قاعده اقدام

اقدام در لغت، به معنای دلیری و شجاعت آمده است (جوهری، ۱۴۱۰، ۵: ۲۰۰۶). در فقه و حقوق اقدام، تحت عنوان قاعده اقدام مطرح شده است. در اصطلاح حقوقی نیز مقصود از قاعده اقدام، این است که شخصی بالغ و رشید باشد و با علم و اراده بر علیه امور مالی خود اقدام نماید؛ اعم از آن که زمینه ورود زیان را بر مال خود فراهم کند (مسبب باشد) و یا مباشرت بر زیان بر اموال خود داشته باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱: ۹۱).

اقسام قاعده اقدام

۱. اقدام به ضمان

در عقود معاوضی، شخص گیرنده ملتزم می‌شود در مقابل نفعی که عایدش می‌گردد، عوض المسمی را بپردازد؛ ولی اگر عقد فاسد باشد، عوض المسمی به عهده آنان نخواهد بود و اگر مال تحویل گرفته شده در ید آنان تلف شود، ضمان به مثل و قیمت مطرح می‌گردد. مستند فقهی این ضمان، اقدام بر ضمان است؛ بدین معنا که شخص گیرنده در هنگام تحویل مال، قصد نداشته آن را مجاناً تحویل بگیرد؛ بلکه در

قبال پرداخت عوض اراده تسلّم کرده و اراده‌اش بر این بوده که مال در ضمان او باشد. به این اراده «اقدام بر ضمان» گفته می‌شود (محقق، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۲۴).

۲. اقدام به زیان

آقای بجنوردی در کتاب قواعد فقه در ذیل بررسی اصطلاحی قاعده اقدام از نگاه فقه، این‌گونه می‌نویسد: «اقدام، قاعده‌ای فقهی است که مفاد آن چنین می‌باشد: هر کس به ضرر خود نسبت به مال خود اقدامی کند، در مورد اقدام وی کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد» (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۹۱ - ۹۳).

از این تعریف چنین به دست می‌آید که: اولاً مُقَدِّم با آگاهی از ضرر آن را مرتکب می‌شود. ثانیاً با توجه به وجود آگاهی در اقدام، ضمانی متوجه دیگران نخواهد بود و کسی در مورد اقدام مقدم ضامن نیست. با توجه به مفاد مطرح شده، محور و موضوع قاعده اقدام از نگاه استاد بجنوردی، اقدام آگاهانه فرد به زیان خویش است که از آن می‌توان به اقدام به زیان تعبیر نمود. چنان‌که در همین ارتباط چنین گفته شده است «هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسئول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به «اقدام» دانسته‌اند» (محقق، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۲۱).

مؤلفه‌های تعریف را این‌گونه می‌توان بر شمرد:

۱. وجود آگاهی و توجه در عملکرد مقدم؛

۲. ترتب زیان از سوی دیگران بر عملکرد آگاهانه مقدم؛

۳. عدم مسئولیت دیگران نسبت به زیان و خسارت وارد شده به مقدم.

بر همین اساس، در ماده ۱۲۱۵ق.م. مقرر گردیده است: «هرگاه کسی مال را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف

شدن آن مال نخواهد بود؛ چراکه او خود اقدام بر ضرر خویش کرده است و طبق قاعده اقدام، ضمان از او ساقط می‌شود و موجب معافیتش از ضمان قهری می‌گردد. از نکات مهم و پُرچالش در مسئله اقدام به زیان، نقش تام زیان دیده در تحقق زیان یا سهیم بودن دیگران در زیان وارد شده می‌باشد؛ مسئله‌ای که بیشتر از نگاه حقوق دانان پیگیری و مطرح شده است. اصولاً تأثیر زیان دیده در زبانی که به او وارد می‌شود، در سه فرض قابل مطالعه و بررسی است:

۱. زیان دیده در رابطه با زبانی که به او وارد شده، هیچ دخالتی نداشته باشد و عامل زیان، علت منحصر زیان باشد.

۲. عامل اصلی ورود زیان، تقصیر زیان دیده باشد و عامل زیان فقط زمینه‌ساز ورود زیان باشد.

۳. در ورود زیان اسباب زیادی دخالت داشته باشند که از آنها کاهلی و تقصیر زیان دیده باشد. به عبارت دیگر، زیان دیده و عامل زیان به نسبت مختلف در ایجاد ضرر سهیم باشند.

در این صورت‌های سه‌گانه، در گونه نخست، قاعده اقدام مطرح نیست؛ چراکه ضرر و زیان وارد شده توسط دیگری یعنی عامل زیان انجام شده است. به بیان دیگر، اقدام به زیان بر علیه خویش صورت نیافته است، همانند آن‌که شخصی با انداختن دیگری در آتش عامل فوت او قلمداد شود.

گونه دوم، مصداق جریان قاعده اقدام به زیان می‌باشد؛ چرا که انتساب زیان به صورت کامل بر عهده زیان دیده می‌باشد؛ همانند آن‌که شخصی با افکندن دیگری در آب، با وجود قدرت زیان دیده برای رهایی خویش از زیان، نسبت به هرگونه تلاش برای عدم ورود زیان اقدام نکرده و زیان دیده، عامل زیان به شمار آید.

گونه سوم، از صورت‌های پُرچالش و حساس جریان قاعده اقدام می‌باشد؛ چرا که

بخشی از زیان و خسارت با توجه به قاعده اقدام منتسب به زیان دیده، و بخشی دیگر، متوجه اسباب دیگر است.

بررسی گفتار فقها نشان می‌دهد تمام فقیهان امامیه، مسئله اقدام به زیان را پذیرفته‌اند؛ اما نکته قابل تأمل و دقت، آن است که تقسیم‌بندی دقیقی از مسئله قاعده اقدام به زیان در گفتار فقهای متقدم مشاهده نمی‌شود. هرچند مصادیق و نمونه‌های موجود در گفتار فقها در ابواب مختلف فقه، بیان‌گر دقت ایشان به موضوع درصد نقش زیان دیده و عامل زیان در زیان وارده می‌باشد؛ اما مثال‌های مطرح از ایشان در قاعده اقدام به زیان، بیشتر به گونه اقدامی که در آن زیان دیده نقش تام دارد، تطبیق یافته است. برای تعیین جایگاه و حکم مستفاد از قاعده اقدام، ملاحظه نسبت و ارتباط آن با قواعد فقهی دیگر حائز اهمیت است. بر همین پایه، در ادامه با توجه به ارتباط قاعده اقدام با سایر قواعد، به مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

مقایسه قاعده اقدام با قواعد مرتبط با آن

قاعده اقدام با بسیاری از قواعد فقهی، ارتباط نزدیکی دارد. بنابراین، به منظور روشن شدن حد و مرز این قاعده، مقایسه و سنجش آن با قواعد مرتبط ضرورت دارد. برخی از این قواعد عبارت‌اند از:

الف) قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده و ما لایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده».

مفهوم قاعده مایضمن، این است که اگر معامله صحیح باشد و مجانی، هبه و عاریه نباشد، باید مسمی یعنی آنچه طرفین بر آن توافق کرده‌اند، پرداخت شود. اما در معامله فاسد، در صورتی که جنس تلف شود، باید ثمن‌المثل آن یعنی اگر مثلی است، مثل آن و اگر قیمی است، قیمت آن پرداخت شود؛ زیرا طرفین مجانی وارد معامله

نشده‌اند؛ بلکه متعهد شده‌اند عوض بپردازند. اما در جانب مقابل، معاملاتی که صحیح آن مانند هبه مجانی است، اگر فاسد باشد، آن هم مجانی است و ضمانی در آن نمی‌باشد (ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده).

به منظور روشن شدن رابطه این قاعده با قاعده اقدام، باید به این نکته توجه کرد که دایره قاعده اقدام، فراگیرتر از قاعده ما یضمن می‌باشد و علاوه بر موارد مذکور، شامل غیر معاملات نیز می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت هر جا قاعده ما یضمن وجود دارد، قاعده اقدام نیز صادق است؛ اما عکس آن صحیح نیست؛ زیرا در برخی موارد، قاعده اقدام وجود دارد؛ اما قاعده ما یضمن صادق نیست. بنابراین، نسبت آنها عموم و خصوص مطلق است.

قاعده لاضرر

از قواعدی که در جهت حمایت از زیان دیده مقرر شده است و در بیشتر ابواب عبادات و معاملات کاربرد دارد، قاعده لاضرر می‌باشد.

طبق دیدگاه شیخ انصاری، مفاد قاعده لاضرر، نفی حکم شرعی است که تشریح آن، باعث ضرر به مکلف می‌شود. وی در این باره می‌نویسد:

«مدلول قاعده، نفی حکم شرعی است که موجب ضرر می‌شود» (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۵۳۴)؛ مثل نفی وجوب روزه بر مریض. در اینجا فرقی نیست بین این که بیماری به وسیله امر غیر اختیاری حاصل شده باشد یا به وسیله امر اختیاری مثل این که غذایی بخورد که باعث بیماری اش شود؛ اما قاعده لاضرر موردی را که مکلف به خود ضرر زده باشد، یعنی تحت عنوان قاعده اقدام قرار گیرد، شامل نمی‌شود؛ مثل این که جنس خود را به کمتر از قیمت المثل بفروشد یا جنس معیوب را با علم به عیب بخرد؛ پس قاعده لاضرر جاری نمی‌شود تا با آن خیار فسخ ثابت شود.

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

چون قاعده لاضرر، یک قاعده امتنانی است، مورد اقدام را در بر نمی‌گیرد. مثلاً فروشنده‌ای که می‌داند فرشش معیّب است و به دو مشتری به‌طور مشترک می‌فروشد و احتمال می‌دهد که یکی از این دو مشتری فرش را برگرداند، حال اگر یکی از دو مشتری فرش را برگرداند (چون اگر هر دو برگردانند، ضرری در کار نیست) و بایع از این منظر متضرر شود، مشمول قاعده لاضرر نمی‌شود؛ چون خود بایع به آن اقدام کرده است (درس خارج فقه، جوادی آملی، ۹۰/۸/۱۴).

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/900814/90>

آیت‌الله روحانی با تتبع در سخنان فقها در مورد نحوه ارتباط قاعده اقدام و لاضرر دیدگاه‌های زیر را گردآورده است:

۱. برخی فقها قائل‌اند اقدام، مطلقاً مانع از شمول قاعده لاضرر است. بر این، اقدام همواره حاکم بر قاعده لاضرر است.

از فقهای معاصر، آیت‌الله مکارم معتقد است که چون مفاد قاعده لاضرر نهی از ضرر است و مفاد قاعده اقدام اجازه ضرر می‌دهد، تصوّر تعارض بین دو قاعده شده است؛ اما چون قاعده اقدام، اخصّ از لاضرر است و به عبارتی، حاکم بر اوست، موضوع تعارض منتفی است (چکیده درس خارج فقه ایت‌الله مکارم ۹۴/۱۲/۲).

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/941202/94>.

۲. در مقابل، برخی گفته‌اند اقدام، مطلقاً مانع نیست. بر این، قاعده لاضرر همواره حاکم بر قاعده اقدام است.

۳. گروهی بین اقدام به فعل حرام و اقدام به فعل جایز، قائل به تفصیل شده‌اند؛ بدین صورت که در مورد فعل حرام، اقدام را مانع از شمول قاعده لاضرر دانسته‌اند؛ برخلاف فعل جایز.

۴. گروهی بین احکام تکلیفی و وضعی، تفصیل قائل شده‌اند؛ به این بیان که

قائل‌اند در مورد احکام تکلیفی، اقدام مانع شمول قاعده لا ضرر است، نه در مورد احکام وضعی (حسینی قمی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۶-۴۰۷).

در پایان، اشاره به این نکته مناسب است که به هر حال، در مواردی که اقدامی از سوی متضرر صورت گرفته که منتهی به ورود زیان به او شده باشد، قاعده لا ضرر از او حمایت نمی‌کند و حق فسخ از او سلب می‌گردد (محقق، ۱۴۰۶ق: ۱، ۲۲۲)؛ زیرا قاعده اقدام بر قاعده لا ضرر، حاکم است.

قاعده احسان

از قواعد مسقط ضمان، قاعده احسان است. منظور از این قاعده، این است که هرگاه کسی به انگیزه خدمت به دیگران، موجب ورود خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت‌آور نیست (همان، ۲: ۲۹۵)؛ مگر این که اقدام وی «علی وجه الضمان» باشد. پس اقدام بر ضمان، جلو قاعده احسان را می‌گیرد و آیه‌ای که می‌فرماید: «بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست» ﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (توبه، آیه ۹۱)، در صورتی جاری می‌شود که فرد، اقدام به عمل بر وجه ضمان نکرده باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۱، ۴۲-۴۳).

قاعده اتلاف و تسبیب

قاعده اتلاف و تسبیب، دو قاعده از قواعد فقهی هستند که در بیشتر ابواب فقه جاری و مورد استناد فقهای عامه و خاصه می‌باشند. قاعده اتلاف، به این معناست که هر کس مال غیر یا منافع مترتب بر آن مال را به سببی از اسباب از روی علم یا جهل تلف کند، مکلف به پرداخت مثل یا قیمت آن می‌باشد. البته این، در صورتی است که با اذن صاحب مال نباشد؛ بلکه از روی غصب یا بدون رضایت او صورت گیرد (مکارم، ۱۴۲۵ق: ۲، ۱۹۳).

در ماده ۳۲۸ ق. م آمده است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و

باید مثل یا قیمت آن را بدهد؛ اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است».

چنین شخصی مرتکب اتلاف شده است و مسئول جبران خسارت خواهد بود. قاعده تسبیب، این است که جانی مقدمه و سبب وارد شدن خسارت به دیگری را فراهم آورد؛ مثل این که بر سر چاهی که دیگری حفر کرده، سنگی قرار دهد و باعث شود دیگری بر اثر برخورد با سنگ در چاه بیفتد؛ چنان که در ماده ۳۳۱ ق.م.آ آمده است: «هر کس سبب تلف مال بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن بر آید».

بنابراین، اگر شخص مستقیماً مال غیر را تلف کند، مباشر نام می‌گیرد؛ ولی اگر غیر مستقیم باعث تلف شود، مسبب نامیده می‌شود.

ملاک و معیار ضمانت در اتلاف و تسبیب، انتساب است؛ یعنی به این دلیل که تلف به متلف و مسبب نسبت داده می‌شود، ضامن می‌باشند و از آنجاکه در صورت اقدام شخص بر ضرر، انتساب به غیر منتفی است، قاعده اقدام مانع اجرای آن دو قاعده می‌باشد (محقق، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۱۴-۱۱۵).

نتیجه این که با وجود قاعده اقدام، جایی برای قاعده اتلاف و تسبیب نمی‌باشد.

قاعده احترام

در تمام نظام‌های حقوقی دنیا جان، مال، آبرو و ناموس افراد محترم است و هیچ کس حق تعرض در این امور به دیگران را ندارد. اسلام نیز برای امور مذکور ارزش و احترام قائل است و در مورد هر کدام از آنها روایات زیادی وارد شده است. با این همه، در مواردی با این که به شخص ضرر و خسارت وارد می‌شود، خود زیان دیده مسئول است، نه شخص دیگر؛ از این موارد، این است که شخص از عمل خود قصد تبرع

داشته باشد؛ زیرا در صورتی که شخص آگاهانه و با قصد تبرع امری را انجام دهد، در حقیقت حرمت مال خویش را هتک کرده و مورد حمایت قاعده احترام قرار نخواهند گرفت. مراغی در قواعد الفقهی آورده است:

«علت ضمان این است که مال شخص محترم است و این شخص به وسیله اقدام [به تبرع]، خودش احترام مال خود را از بین برده است» (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۸۷). البته در موردی که شک کنیم آیا اقدام کننده قصد تبرع داشته یا خیر، اصل عدم تبرع است (محقق، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۱۸-۲۲۱).

در نتیجه، قاعده احترام دلالت دارد که جان و مال و ناموس مسلمان دارای احترام است و در صورت ورود ضرر، عامل زیان یا ضررزننده، مکلف به جبران آن است؛ در حالی که قاعده اقدام، دلالت دارد بر این که در صورت اقدام شخص بر علیه خویش، خودش احترام را از بین برده است؛ بنابراین مسئولیتی متوجه دیگران نمی شود. از این رو، گستره و حوزه قاعده احترام، سوای قاعده اقدام است و موارد قاعده اقدام به زیان را در بر نمی گیرد و به دیگر بیان، قاعده اقدام حاکم بر قاعده احترام می باشد.

قاعده تحذیر

قاعده «تحذیر»، برگرفته از حدیث «قد عذر من حذر» است (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۶۸).

این روایت منسوب به امام صادق علیه السلام است که آن را از حضرت علی علیه السلام نقل فرموده است.

قاعده تحذیر در ابواب مختلف کاربردهای زیادی دارد که این کاربردها با قاعده اقدام مرتبط می باشد. لذا در این قسمت به بحث و بررسی موارد تطبیق و کاربرد این قاعده می پردازیم.

بر اساس قاعده اقدام (بخش اقدام به زیان)، انجام عملی که منجر به خسارت مالی یا بدنی به خویش شود، مسئولیتی را بر عهده دیگران قرار نمی‌دهد. به دیگر بیان، هر کس به ضرر خود اقدامی کند، در مورد اقدام وی کسی به نفع او ضامن قهری یا مسئولیت مدنی ندارد. حال اگر این اقدام به ضرر خود پس از تحقق هشدار (عمومی و قانونی) نسبت به یک خطر و عدم احتیاط شخص نسبت به آن صورت یابد، ضررزننده مسئولیتی ندارد. پس در مواردی از قبیل اقدام به قرار گرفتن در منطقه ممنوعه برای عابر پیاده یا اقدام به قرار دادن احشام در آن، در کنار هشدارهای لازم برای وجود خطر و آسیب، زمینه رفع مسئولیت از دیگران را فراهم می‌کند؛ چرا که اقدام به قرار گرفتن در این مناطق، همراه با پذیرش شخصی خطرات، متوجه مال یا جان فرد خواهد بود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۱۶۸).

بر اساس آنچه اشاره شد، می‌توان گفت قاعده تحذیر می‌تواند در مواردی، با قاعده اقدام همراهی داشته باشد؛ هرچند این همراهی، یک حکم یعنی عدم ضامن ضررزننده را نتیجه می‌دهد؛ اما حیث و جهت توجه به آن متفاوت است. به بیان دیگر، در حرکت عابر از زیر پل، در یک سو اقدام عابر برای حرکت از غیر مسیر مشخص شده صورت می‌یابد و در سوی دیگر، ضررزدن به عابر از سوی سرنشین ماشین صورت می‌پذیرد. سرنشین وسیله نقلیه، با توجه به قاعده تحذیر، مسئولیتی بر عهده‌اش قرار نمی‌گیرد؛ همچنان که مطابق قاعده اقدام، حرکت نابجای عابر موجب آن است که ضرر وارد شده به او مسئولیتی را متوجه دیگران نکند.

به هر حال، بحث گاهی ممکن است اقدام باشد، ولی تحذیر نباشد و گاهی تحذیر صورت بگیرد؛ در نتیجه، اقدام به زیان محقق نشود. در مواردی نیز به رغم تحذیر اقدام به زیان وجود دارد. در چنین مواردی، طبق قاعده تحذیر، اگر کسی قبل از انجام دادن کاری هشدار دهد؛ ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار جنایتی

به وجود آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت (محقق، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۳۵). البته این در صورتی است که اولاً تحذیر صورت گرفته باشد و ثانیاً تحذیر، مؤثر و واجد شرایط باشد. اکنون سؤال این است که شرایط لازم برای تحقق هشدار چیست؟

شرایط لازم برای تحقق هشدار

۱. هشدار باید به نحو مؤثر انجام شود.

هشدار باید به نحو مؤثر و با هر وسیله ممکن به گوش کسانی که در معرض خطر هستند، رسانده شود و آشکار است که این اعلام نسبت به نوع خطر، زمان و مکان وقوع آن، تفاوت دارد. مثلاً هشداری که در عملیات ورزشی به ورزشکار داده می‌شود، با هشداری که به یک شخص در مورد ممنوعیت ورود به یک منطقه تمرین نظامی داده می‌شود، متفاوت خواهد بود. یا نسبت به بعضی خطرات، هشدار در شب با هشدار در روز تفاوت دارد. هشدار در شب، ممکن است از طریق روشن نگاه داشتن محل خطر و نصب چراغ‌های چشمک‌زن؛ اما در روز از طریق نصب علائم یا راهنمایی پلیس صورت گیرد. نکته مهم، این است که هشدار باید مورد قبول کارشناس و قابل اثبات باشد.

۲. هشدار باید به اطلاع خسارت دیده رسانده شود.

باید با توجه به نوع خطر، وصول هشدار به زیان‌دیده از راه‌های مختلف صورت گیرد؛ گاهی با فریاد زدن؛ چنان‌که تیرانداز با گفتن کلمه «حذار» خطر را اعلام می‌کند؛ گاهی از طریق آگاه کردن شرکت‌کنندگان نسبت به قوانین و مقررات؛ چنان‌که در مسابقات ورزشی صورت می‌گیرد و گاهی از طریق نصب تابلو، علائم و امثال آن (محقق، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ۲۴۳).

۳. هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد.

از موارد استناد به قاعده اقدام که در آثار اکثر فقها به چشم می‌خورد، این است که به‌رغم وجود هشدار و دریافت آن، هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱: ۱۰۵).

۴. امکان تخلص از ضرر برای خسارت دیده وجود داشته باشد.
باید امکان دور شدن از صحنه خطر برای مخاطب وجود داشته باشد. این شرط، خود مستلزم وجود نکات زیر است:

- مخاطب، زمان کافی برای گریز از صحنه خطر داشته باشد؛
- مخاطب توانایی و قدرت جسمی لازم را برای دور شدن از صحنه خطر داشته باشد؛
- شرایط محیط و اوضاع و احوال صحنه خطر، اجازه دور شدن را از محل خطر به مخاطب بدهد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲: ۲۴۳).

۵. ورود صدمه نباید ناشی از اقدام عمدی هشداردهنده باشد.
نصب علائم هشداردهنده، باعث نمی‌شود عامل زیان در صورتی که عمداً خسارتی به کسی وارد کند، مسئولیتی نداشته باشد؛ چنان‌که طبق روایت، کودکان بدون داشتن قصد و عمد به ایراد صدمه به احدی، اقدام به پرتاب سنگ (فقط به منظور ارزیابی قدرت خود) می‌کنند و مدعی با آگاهی از هشدار داده‌شده، به صحنه مسابقه وارد، و در نتیجه مصدوم گردیده است (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱: ۱۶۶).

بنابراین، در قاعده هشدار، اولاً هشداردهنده نباید قاصد و عامد به ایراد صدمه و خسارت باشد؛ هرچند ابتدائاً نیز هشدار لازم را داده باشد. ثانیاً دریافت‌کننده هشدار، خود را در معرض خطر قرار دهد؛ اعم از این‌که این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد (همان: ۱۶۷).

بر این، چنانچه ورزشکار در حین مسابقات ورزشی، عمداً به حریف صدمه بزند، هرگونه خسارتی به وجود آید، ضامن است.

۶. فعل هشداردهنده خلاف شرع نباشد.

در صورتی که عمل هشداردهنده مشروع نباشد، هرچند تمام شرایط هشدار رعایت شده باشد، عامل زیان ضامن است. در نتیجه، شرکت در مسابقات و عملیاتی که شرعاً مجاز نیست، مشمول قاعده تحذیر نمی‌گردد.

۷. هشدار نباید همراه با تعدی و تفریط باشد.

از اسباب ضمان، تعدی و تفریط است. تعدی از ماده «عدو» است. تعدی در امر، به معنای تجاوز از حدودی است که شایسته است به آن اکتفا شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۱۳). تفریط از ماده «فرط» است. فَرَطٌ فِي الْأَمْرِ، به معنای کوتاهی کردن و تضييع نمودن آن است تا از دست برود (جوهری، ۱۴۱۰، ۳: ۱۱۴۸). ابن فارس، تفریط را به معنای تقصیر بیان کرده که در اثر کوتاهی از مرتبه خویش تنزل یافته است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴: ۴۹۰). در قرآن، تفریط به معنای ترک کردن، غفلت کردن و ضایع و تباه کردن، تقصیر و تأخیر استعمال شده است (طریحی، ۱۴۱۶، ۴: ۲۶۴).

تعدی از نگاه برخی فقها «فعل ما یجب ترکه و ترک ما یجب فعله» است؛ به گونه‌ای که منجر به عدم اهتمام به حفظ غیر و اموال او می‌شود؛ پس هر دو در عدم حفظ مشترک و در ناحیه فعل و ترک متفاوت هستند (صدر، ۱۴۲۰، ۴: ۳۱۷). تعدی و تفریط در منابع حقوقی نیز مطرح است؛ از جمله در «ماده ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی» چنین تعریف شده است: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است، نسبت به مال یا حق دیگری» (طاهری، ۱۴۱۸، ۲: ۱۵۰). بدین سان، می‌توان تعدی و تفریط را عدم محافظت، و به بیان دیگر، نادیده‌گرفتن و پایمال ساختن حدود و مرزهایی شمرد که رعایت آن درباره دیگران و اموال آنها لازم است.

بنابراین، در صورتی که هر نوع کوتاهی یا زیاده‌روی از سوی هشداردهنده در انجام عملیات مربوط به هشدار باعث ایجاد خسارت گردد، عامل زیان ضامن است.

۸. هشدار دهنده فاقد قصد اضرار و دارای حسن نیت باشد.

به عبارت دیگر، هشدار دهنده باید در نیت و عمل دارای صداقت بوده و از فریب‌کاری و قصد زیان‌رسانی عاری باشد. البته در مقایسه با سایر شرایط، این شرط کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بی‌گمان، اگر کسی که به‌طور مؤثر هشدار مناسب را به شخصی ابلاغ نموده، و در حالی که آن شخص عنایت و رعایت نکرده است، برای هشدار دهنده امکان جلوگیری از ایراد آسیب به وی فراهم باشد، لیکن این کار را نکند، به لحاظ فقدان درستکاری و حسن نیت در هشدار دهنده، نمی‌توان به موجب هشدار، مسئولیت او را نادیده گرفت.

موارد تطبیق قاعده تحذیر

الف) نفی مسئولیت به واسطه هشدار در حوادث رانندگی.

در قوانین راهنمایی و رانندگی، مواردی را می‌توان یافت که بر اساس قاعده تحذیر در کنار قاعده اقدام، به وضع احکام و قوانینی در این زمینه پرداخته است.

ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن، تصریح دارد که ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایل نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در بزرگراه و همچنین توقف وسایل مذکور در خطوط عبور، ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور، حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت.

همچنین تبصره ماده ۸ از قانون الحاق ۱۰ تبصره به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی، مقرر داشته است که در شهر تهران در خیابان‌هایی که به وسایل عبور عابر مجهز شده باشد و به وسیله شهرداری برای اطلاع عامه آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند؛ در غیر این صورت اگر

تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده واقع شود، مشروط بر آن که راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی مؤثر در حادثه نداشته باشد، در صورتی که سه نفر افسر ارشد کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضایی جهت اقدام مقتضی ارسال می شود. عدم مسئولیت جزایی راننده، مانع استفاده شخص متضرر از حادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود.

نفی مسئولیت به واسطه هشدار در فعالیت های تربیتی، ورزشی، پزشکی

خسارات و صدمات ورزشی به دو قسم تقسیم می شوند: الف) خسارات مالی؛

ب) صدمات جسمی و جانی.

در مورد خسارات مالی، می توان با استناد به قاعده تحذیر و اقدام، عامل زیان را مبرا از مسئولیت دانست؛ زیرا شرکت کننده در عملیات ورزشی در صورت فراهم بودن همه شرایط، اقدام به ضرر کرده و بر اساس روایات، اجماع و عقل، خودش ضامن است. بر همین اساس، بسیاری از علما از جمله سید محمد بجنوردی بر عدم مسئولیت ضررزننده تصریح کرده اند (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۹۶).

اما در مورد صدمات جسمی، مسئله مورد اختلاف است. برخی از علما از جمله سید محمد کاظم مصطفوی معتقدند قاعده اقدام جاری نمی شود؛ زیرا ضرر زدن به خود، از نظر شرع حرام است (القواعد: ۴۹). لکن برخی دیگر، اقدام بر ضرر در امور نفسانی را نیز جاری می دانند؛ از جمله میر عبد الفتاح الحسینی المراغی از جمله موارد استناد فقها به قاعده اقدام را که رافع ضمان است، موردی ذکر می کند که شخص به رغم دریافت هشدار و امکان فرار، بر علیه مال یا جان یا اعضا و جوارح خود اقدام کند (مراغی، ۱۴۱۷، ۲: ۴۹۰-۴۹۸).

این دیدگاه هم از پشتوانه قانونی برخوردار است و هم با مبانی فقهی قابل توجیه است. طبق بند ۱ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱. اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود؛ مشروط بر این‌که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد.

۲. هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود.

۳. حوادث ناشی از عملیات ورزشی؛ مشروط بر این‌که سبب آن حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد. هرچند در بند ۱ ماده فوق، اشاره صریحی به مرتکب و به عبارت دیگر، به کسی که حادثه را ایجاد کرده، ننموده و فقط با ذکر «عملیات ورزشی» به طور ضمنی نظر خود را رسانده است، بی‌گمان مرتکب این حادثه کسی جز ورزشکار نیست و در واقع، فاعل عملیات ورزشی همان کسی است که اصطلاحاً ورزشکار گفته می‌شود و منظور مقنن، مفهوم خاص ورزشکار نیست. به همین دلیل، هم از به کار بردن واژه ورزشکار خودداری کرده است؛ بلکه نظر بر مفهوم عام ورزشکار داشته است و لذا هر کس که به انجام فعالیت‌های ورزشی بپردازد، با رعایت سایر شرایط می‌تواند از امتیاز این ماده قانونی استفاده کند. بنابراین، از نظر قانون، سن، قد، وزن، میزان مهارت و هیچ شرط دیگری جز انجام فعالیت‌های ورزشی مؤثر در شمول ماده ۱۵۸ نخواهد بود.

بند ۳ ماده ۵۹ قدیم (بند ۱ ماده ۱۵۸ جدید) قانون مجازات اسلامی، این است که «حوادث ناشی از عملیات ورزشی، مشروط بر این‌که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد، و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته

باشد، جرم محسوب نمی‌شود». بر پایه تحقق شرایط مندرج در این بند، یک فعل از حالت جرم بودن خارج می‌شود. سؤال این است که مبنای فقهی این بند چیست؟ مثلاً در ورزش فوتبال یک بازیکن به توپ ضربه‌ای می‌زند، که به صورت بازیکن دیگر اصابت کرده، و منتهی به جراحت یا شکستگی می‌گردد؛ ولی قوانین و موازین آن ورزش رعایت شده، و در نتیجه طبق قانون مذکور جرم نمی‌باشد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال، چنین معتقد است که دلیل مسئله، این است که هنگامی که افراد وارد بازی می‌شوند، عملاً یکدیگر نسبت به حوادثی که در طبیعت بازی احیاناً نهفته است، و حتی اگر طبق مقررات هم عمل کنند، باز هم این حوادث پیش می‌آید، برائت ضمنی می‌جویند؛ شبیه برائتی که طبیب لفظاً یا عملاً از مریض می‌گیرد، و این کار سبب برائت ذمه او می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۳: ۳۲۹).

اینجا سؤال دیگری مطرح می‌شود که چگونه می‌توان بین قاعده اقدام که دلالت بر جواز اضرار به نفس دارد، با آیاتی از قبیل ﴿وَلَا تُلْفُتُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره، آیه ۱۹۵) و روایاتی از قبیل «و لکنه عزو جل خلق الخلق، فعلم ما تقوم به ابدانهم و ما يصلحهم، فأحله له و اباحه لهم و علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرمة عليهم...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۴: ۱۰۰). و حکم عقل که بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارند، جمع کرد؟

برای رفع این تعارض، راه‌حل‌هایی ارائه شده؛ از جمله این که در عملیات ورزشی، مخصوصاً در صورت رعایت قوانین و مقررات ورزش مربوطه احتمال صدمه، ضعیف است؛ درحالی که منظور آیات و روایات و عقل، جایی است که ضرر قطعی یا همراه با احتمال قوی باشد. به علاوه، ورزش دارای فواید جسمی و روحی فراوانی می‌باشد که ضرر احتمالی آن را توجیه می‌کند. پس ادله قاعده اقدام، وسیع‌تر از دلایل حرمت اضرار به نفس می‌باشد (مقدادی، ۱۳۹۳ ش: ۲۲۰-۲۲۷).

بنابراین، می‌توان گفت خسارات ناشی از عملیات ورزشی مشروط به مشروع بودن ورزش و رعایت همه شرایط و مقررات آن، متوجه صدمه دیده می‌باشد و دلیل آن، قاعده تحذیر و اقدام می‌باشد؛ بدین معنا که ورزشکار با علم و آگاهی به این‌که امکان ایراد ضرر به او در حین ورزش وجود دارد، اقدام به ورزش نموده و در صورت ایراد صدمه، حق مطالبه خسارت را ندارد؛ زیرا اقدام او به ورزش، در واقع اقدام به اسقاط ضمان ورزشکار ضررزننده است.

(<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=295>).

نتیجه‌گیری

در منابع فقهی، ادله قابل استناد مهمی درباره نفی مسئولیت از عامل زیان و ضرر به دیگران وجود دارد. از قواعد فقهی، قاعده اقدام به زیان و تحذیر است. بر اساس قاعده اقدام (بخش اقدام به زیان)، انجام عملی که منجر به خسارت مالی یا بدنی به خویش شود، مسئولیتی را بر عهده دیگران قرار نمی‌دهد. به دیگر بیان، هر کس به ضرر خود اقدامی کند، در مورد اقدام وی کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد. به بیان دیگر، اگر این اقدام به ضرر خویش، پس از تحقق هشدار (عمومی و قانونی) نسبت به یک خطر و عدم احتیاط شخص نسبت به آن صورت یابد، ضررزننده مسئولیتی ندارد. قانون‌گذار در تدوین مقررات مذکور، هرچند ممکن است در مواردی به صراحت، قاعده تحذیر را بیان نکرده، عملاً قاعده تحذیر را به کار بسته است.

بر اساس قاعده تحذیر، در صورتی که هشداردهنده همه اقدامات، از جمله هشدارهای لازم برای جلوگیری از حادثه را انجام دهد، لکن زیان دیده، بی‌محابا و بدون توجه به هشدارهای عقلایی، خود را در معرض خطر قرار دهد و آسیبی به او وارد شود، خود او در برابر ضرر وارد شده مسئول است.

پس در فعالیت‌های تربیتی و هنگام آموزش و انجام تمرین‌های ورزشی و حضور در مسابقات ورزشی نیز در صورتی که مربیان و مجریان مسابقات ورزشی به وظیفه خود درباره بیان هشدارهای کافی عمل کرده بوده و افراد با در نظر گرفتن شرایط لازم اقدام به شرکت در این مسابقات کنند و به آنها خساراتی وارد شود یا ضررهایی به دیگران وارد کنند، کسی جز زیان‌دیده ضامن نیست.

منابع

۱. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقائیس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، *فرائد الأصول*، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.
۳. بجنوردی، سید محمد، *قواعد فقهیه*، تهران، مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱.
۴. تهانوی، محمد علی، *کشاف اصطلاحات الفنون*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
۵. جمعی از مؤلفان، *مجله فقه اهل بیت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، چاپ اول، [بی تا].
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی روحانی قمی، سید صادق، *فقه الصادق*، ج ۱۸، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق، چاپ اول، ۱۴۱۲.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. صدر، سید محمد، *ما وراء الفقه*، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
۱۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *موجبات ضمان: درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الفروع من الکافی*، کتاب الديات، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت مدنی (حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری)*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۷. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶.
۱۸. محمود عبدالرحمن، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*، بی جا، بی نا، بی تا، نرم افزار اصول الفقه مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۹. مصباح، محمدتقی، *فلسفه اخلاق*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *استفتاءات جدید*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۲۷.
۲۱. _____، *أنوار الفقاهة - کتاب البیع*، قم، انتشارات مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲۲. _____، *القواعد الفقهية*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ سوم، ۱۴۱۱.
۲۳. مقدادی، محمد مهدی، *مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی ورزشکاران*، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۳ش.
۲۴. مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی، *العناوین الفقهية*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷.
۲۵. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

نرم افزار و وبگاه

(جامع فقه اهل البیت)، نسخه ۲، قم: مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.

جامع اصول الفقه، قم: مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.

<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=295>

(مصدق، محمد، شرایط و موانع مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲

۳۸۰ / تاریخ مراجعه / <http://www.ghavanin.ir/ArticleType/ArticleView/articleId/45710/categoryId/>

(به سایت ۲۷ / دی ماه ۱۳۹۹)